

کاشفین گذشته



تمدنی که فراموش شده

امروزه می دانیم که شلیمن در باره اکتشاف مقبره آگاممنون Agamemnon دچار اشتباه شده است و دانشمندان ثابت کردند که این قبور متعلق به چندین قرن قبل از جنگ تروا بوده و بنا بر این ماقبل آگاممنون.

ولی از نقطه نظر باستان شناسی کاری را که شلیمن انجام داده دارای اهمیت بیشتری می باشد. نه اینکه او قدم های اولیه را برای احیاء تمدنی که فراموش شده برداشته بود؟

اگر چه دانشمندان آلمانی شلیمن را تحقیر می کردند ولی در عوض دانشمندان انگلیسی او را میستوند و می گفتند نه این که شلیمن ثابت کرده که قبل از این که یونانیان دارای تاریخی کردند از تمدنی پیش رفته برخوردار بودند؟

این تمدن نمی‌توانست فقط در میسن **Mycenes** ظاهر شده باشد و اراضی اطراف میسن باید باز هم شهرهای فراموش شده‌ای را در خود مخفی داشته باشند.

شلیمن نیز همین عقیده را داشت و مادام که رقبای او با حرارت زیاد مشغول حفاری بودند با وجود آن که شصت و دو سال از عمرش گذشته بود تصمیم گرفت که عملیات خود را در قلعه تیرنت **Tirynthe** شروع نماید. باستان‌شناسان تقریباً از یک قرن قبل سرزمین تیرنت **Tirynthe** را شناخته بودند ولی کسی باین فکر نبود که در آنجا اکتشافاتی بنماید ولی شلیمن عملیات اکتشافی خود را در آنجا شروع نمود و در تابستان اول کارگزارانش طرح کامل یک طبقه از کاخی را ظاهر ساختند.

این طبقه از راه‌روها و درگاهها و آپارتمان‌هایی تشکیل شده بود و آپارتمان مردها از آپارتمان زنهادا بود.

دیواری از تخته سنگ‌های عظیم تمامی قصر را در بر گرفته بود و در مقام مقایسه - این قصر در داخل این حصار که در بعضی جاها ضخامت آن به ۱۹ متر میرسید و در داخل آن اتاق‌هایی تعبیه کرده بودند بسیار کوچک مینمود.

با پیشرفت عملیات حفاری آثار هنری و معماری فراوانی نمودار گردید.

منجمله نقشی بود از پهلوانی که با گاوی وحشی در نبرد بود و شاخ‌های گاورا در دست داشت و مهبیای پرش از روی پشت گاو بود. فحوای حفاریات شبه‌ای باقی نمی‌گذاشت که قبل از پیدایش تاریخ یونان مردمان خارق‌العاده‌ای بعضی نواحی پلوپونز **Peloponnèse** را اشغال کرده بودند مردمانی که میسن **Mycènes** و تیرنت **Tirynthe** را ساخته بودند چگونه مردمانی بودند؟ چه رابطه‌ای بین آنها و یونانی‌ها بود؟ و چه سانه‌ای موجب تخریب این دیوارهای عظیم شده بود؟

بعدها باستان‌شناسان خرابه‌های زیادی متعلق به این مردمان ناشناخته را کشف کردند و متوجه شدند که شعاع این ناحیه تا جنوب جزایر دریای

از **Egée** امتداد دارد و دانشمندان اندیشیدیدند که جزیره کرت **Crète** باید مهد این تمدن بوده باشد.

اساطیر نیز به مینوس **Minos** پادشاه کرت **Crète** اشاره کرده و او را سلطانی مقتدر و مقننی بزرگ میخواندند

و اقتدار او را در ماوراء پایتختش شهر کنوسوس **Cnosos** متنفذ می دانستند. وقتی که توجه دانشمندان به ناحیه کنوسوس **Cnosos** معطوف شد چیز قابل توجهی نیافتند لکن تپه عجیبی که یونانی آنرا **Sarabab** میخواندند جلب توجه آنان را نمود. در قله این تپه ویرانه دیوارهایی که از تخته های بزرگ سنگ گچ ساخته شده بود و پوشیده از نوعی خطوط ناشناخته بود جلب توجه شلیمن را نیز نمود و پس از کسب اجازه از مقامات کرت **Crète** با مخالفت مالک تپه که قیمت گزافی را در خواست میکرد مواجه شد.

ولی روحیه تاجر مآب شلیمن مانع سازش با مالک تپه گردید و عمروی نیز دیگر کفاف نداد که ببیند با عدم موافقت با درخواست مالک تپه افزایش گوهری را بتاج افتخاراتش از دست داد.

اواخر قرن ۱۹ یک نفر انگلیسی متخصص سکه شناسی بنام اوانس **Evans** بجزیره کرت رفت و مصمم به کاوش در تپه **Sarabab** گردید ولی باز با مخالفت مالک آن روبرو گردید و بالاخره اوانس تپه را از صاحب آن نقداً خریداری نمود و در سال ۱۹۰۰ شروع بعملیات حفاری نمود.

کاخ مینوس **Minos**

حصول نتیجه زیاد بطول نیانجامید و بعد از حداکثر پنجاه سانتیمتر خاک برداری خرابه ها نمایان شدند.

در مرحله اول ویرانه دیوارها نمودار شد و پس از نه هفته کار ساختمانی عظیم که بیش از یک هکتار زمین را اشغال کرده بود هویدا گردید که کاخهای میسن **Mycènes** و تیرنت در قبال آن ناچیز بودند.

یکسال بعد اوانس اظهار داشت که عملیات حفاری را باید یکسال دیگر

ادامه دهد و در این موقع هیچ تصور نمی کرد که در مدت بیش از یک ربع قرن در این سرزمین مشغول حفاری خواهد بود که تمامی کاخ و ملحقات آن را که در سه هکتار زمین قرار داشت نمایان سازد.

هیچ کس اطلاعی از نام پادشاه مالک قصر را نداشت و نام مینوس **Minos** را

اوانس **Evans** از قول هومر **Homère** با آن داده بود چه این جمله هومر **Homère** فکر اوانس را بخود مشغول داشته بود. کنوسوس **Cnosos** واقع در کرت **Crète** می باشد و شهری بزرگ است و مینوس **Minos** بمدت نه سال در آن سلطنت کرد.

اوانس نمی توانست به هومر شك داشته باشد چون در همین محل کنوسوس قدیم دهلیز معروفی را که در افسانه ها نقل می کردند بمنصه ظهور رسانده بود.

آیا مینوس نام سلطانی بود که این قصر را بنا کرده بود؟ یا اینکه این لغت فقط معنی «سلطان» را میداده است.

نقشه این ساختمانها کم و بیش چهار گوش بود. درهای ورودی اصلی بطرف شمال و جنوب بوده و درهای فرعی بسمت مشرق و مغرب گشوده میشدند. قسمت های مختلفه قصر در اطراف حیاطی مرکزی و وسیع بطول ۶۶ متر و عرض تقریباً ۳۳ متر واقع بود. جناح های قصر که دارای بامی مسطح بودند از چند طبقه تشکیل شده بودند. داخل ساختمان بسادگی خارج آن نبود و از سر راهها و اتاقهای تودرتویی تشکیل شده بود و بنظر میرسید که منجزه ای باید بشود که شخص در آن جا سر درگم نشود. یک قسمت از ساختمان که روی شیبی تند ساخته شده بود طبقات فوقانی و پلکانهایی را که دارای پنج صنفه و تقریباً سالم بودند ظاهر میساخت.

تمامی این اتاقها تودرتو و درهم و برهم بودند معذک داخل این اتاقها آسایش و تجمل و زندگی مرفهی را بخاطر میآورد.

در قسمت مغرب قصر میدانی بود که احتمالاً زارعین محصول خود را برای فروش در آن عرضه می داشتند و در مرکز ساختمان ها حیاطی وسیع قسمت های مختلفه را بهم مربوط می ساخت. قسمت داخلی قصر که با ستونها و صنفه های رفیعش قسمت عمده این جناح را تشکیل می داد و زیباتر از آپارتمانهای

دیگر بود در اختیار و مخصوص ملکه بود.

دو روزه بزرگ با نور غیر مستقیم آن جاروشن می ساخت و در مقابل اتاق های ملکه تالار تشریفات مخصوص رسوم مذهبی و سیاسی قرار داشتند . پیدایش تالاری در جناح غربی که محل تخت سلطنتی بود یکی از مراحل جالب حفريات در کنوسوس بود .

اوانس حدس می زد که شیئی خارق العاده کشف خواهد کرد و هنگامیکه بیل کارگران قسمت فوقانی اریکه ای را که تمامی آن از سنگ و گچ ساخته شده بود و حاشیه آن دارای کنگره و تزئیناتی بود هویدا ساخت با عجله زیاد اطراف آن را خاک برداری کرده و اورنگ شاهی را سالم بیرون آوردند . نیمکت های سنگی که محل نشستن اعیان و اشراف بود و از دو طرف اورنگ را در میان گرفته و در طول سه دیوار اطراف تالار امتداد داشتند . بجای چهارمین دیوار اتاق انتظار وجود داشت که در مواقع تشریفات به وسیله پرده ای از تالار تخت سلطنتی مجزا میشد.

در دیوار مقابل اتاق انتظار راهروی تعبیه شده بود که به اتاق داخلی دیگری که در آن محرابی برای الهه بزرگ کرت تخصیص داده شده بود منتهی می شد .

تالاری که دیرینه ترین تخت پادشاهی در آن بود کوچک و ساده بود ولی اوانس حدس می زد که می بایستی در سابق دارای تزیینات زیادی بوده باشد چه روی دیوار ها هنوز اثر نقاشی هائی با رنگ های درخشانی به چشم می خورد .

در ظاهر این طور بنظر می رسید که پادشاهان کنوسوس علاوه بر اختیارات و قوای مدنی از اختیارات و قوای روحانیت نیز برخوردار بوده اند و قصر آنها در همین حال نیز معبد بوده است .

و تشریفات مذهبی تنها در حریمی که پشت تخت سلطنتی بوده بجا آورده نمی شده بلکه در دو اتاق کوچک دیگر که بهم مربوط بودند و در وسط هر يك ستونی از سنگ گچ افراشته بودند و به جلوخان غربی حیاط اصلی باز میشدند انجام می گرفته .

کلیه ساختمان های این قصر مزین به تیر دودم علامت الهه بزرگ میباشند و این علامت عجیب در نظر مردمان مینوس مانند صلیب در نظر مسیحیان مقدس بوده است و در همه جا چشم میخورد .

ادامه دارد